

گفت و گو با «حسین قره‌داغی» معلمی که دور نوار مرزی ایران را رکاب زده و به فعالیت‌های مختلف فرهنگی معروف است

رکاب‌زدن در ۷ کشور برای صلح



لیلا مهداد | حسین قره‌داغی یک معلم رکورددار است؛ معلمی است که بیشتر سال‌های جوانی را با گچ و تخته سیاه سروکار داشته، آن هم در مناطق دورافتاده و محروم. در هر مدرسه‌ای که بوده رد و یادگاری از بزرگترین لاک‌پشت برقی، حرکت‌های اجتماعی و فرهنگی حالا بخشی از زندگی «حسین قره‌داغی» شده است و زندگی با آنها برایش معنا می‌یابد؛ مردی متولد شهر میانه و بزرگ‌شده چابهار در جنوب شرق ایران. او به دهه پنجاه زندگی نزدیک است و هنوز زکات می‌زند و به خاطر بیشتر کوه‌های ایران را دارد؛ اگر چه رکوردزنی شنا در سده‌های میانه هم به نام او ثبت شده است. ساخت کلکی با بطری‌های آب‌معدنی در نوع خودش جالب بود تا اینکه جای خود را به کتابخانه سیار ساخته‌شده از بطری‌های آب‌معدنی داد و در آینده قرار است جای خود را به رستوران و کتابخانه‌ای آبی-خاکی بدهد؛ آرزویی که اگر عملی شود، می‌تواند اشتغال‌زا هم باشد.

● ● ●

از حسین قره‌داغی بگویید.

حدود ۴۷ سال دارم، متولد میانه، بزرگ‌شده بلوچستان. تمام ۲۸ سال را در دبستان‌ها پای تخته سیاه ایستادم تا در حد توانم الفبای خواندن و نوشتن و زندگی کردن را به دانش‌آموزان بیاموزم. همسر هم معلم است. در طول تمام سال‌هایی که تدریس می‌کردم ۲۵ سال تدریس در مناطق محروم را تجربه کرده‌ام؛ از آذربایجان تا بلوچستان. اما ۷-۸ ماهی می‌شود که ساکن قم شده‌ام. من بیشتر اوقات از خانواده دور بوده‌ام؛ سال‌هایی که رکاب می‌زدم، برای همین به نوعی به همسرم به‌دکار بودم بسیاری جبران روزهای غیبتم به قم مهاجرت کردیم تا همسرم به خانواده‌اش نزدیک‌تر باشد. از آنجا که همیشه علاقه‌مند به تدریس بوده‌ام، طی سال‌های خدمت در آموزش و پرورش مستندهایی در عرصه آموزش تهیه کرده‌ام؛ هم در بلوچستان هم آذربایجان. اگر چه طرح‌هایی هم در سطح ملی ارائه داده‌ام، مدیریت کلاس‌های چندپایه که بیشتر در روستاها و مناطق محروم به چشم می‌خورند، صرفه‌جویی در مصرف کاغذ، طرح‌هایی برای جمع‌آوری اطلاعات تا به موجب آن مدیریت و برنامه‌ریزی راحت‌تر شود.

دلیل انتخاب مناطق محروم برای تدریس چه بود؛ آیا اجباری در این زمینه وجود داشت؟

نه اجباری در کار نبود و این انتخاب خودم بود. شاید داشتن دورن‌گویی سخت در این مسأله دخیل بود. ۹ سال بیشتر ندانستم که پدر و مادرم را از دست دادم و به اجبار ناچار به مهاجرت از میانه به چابهار شدم تا زندگی را در خانه برادرم ادامه

بدهم. در واقع سختی‌ها و مشکلات را از نزدیک لمس کرده‌ام و با آنها بیگانه نیستم. یکی از دلایل انتخاب مناطق محروم برای تدریس در دانشا بودن است؛ چون چنین مناطقی از نظر مالی و... در تنگنا هستند و در طول این سال‌ها تلاش کرده‌ام در حد توان سازی از روی دوش آنها بردارم و کاری

برایشان انجام بدهم. عاشق بچه‌ها هستم، آنها را همیشه پاک و معصوم یافته‌ام و کار کردن با آنها و درس دادن به آنها باعث‌شده کودک درونم همیشه زنده باشد؛ من از ۱۰ سال فراتر

رفته‌ام.

از روستای هفت چشمه بگویید.

سه سال آخر فعالیتم در آموزش و پرورش را در دورترین نقطه گذراندم، روستایی در مرز میانه، اردبیل و خلخال در ارتفاع بالای ۲ هزار متر. هفت چشمه روستایی کم‌برخوردار بود و قبل از دیدن این روستا در باورم نمی‌گنجید در استان آذربایجان روستایی چنین مشکلاتی داشته باشد.

این روستا در منطقه کندوان میانه واقع شده است. دبستان این روستا واقعا از حداقل‌ها محروم بود و ابتدای کار با هزینه شخصی شروع به بازسازی آن کردم اما توان مالی‌ام جوابگوی کاستی‌های آن نبود برای همین باید راه دیگری برای حل

مشکلات می‌یافتم؛ بنابراین به کمک بچه‌ها نخستین و بزرگترین لاک‌پشت برقی و رستوران برقی را ساختم؛ وسطروانی نمادین که در فضای مجازی از آن صحبت کردیم و

افراد برای بازدید از آن به این روستا می‌آمدند، البته کمی را هم راه‌اندازی کردیم تا بتوانیم

از مسافران پذیرایی کنیم و امکاناتی در اختیارشان قرار

بدهیم. تبلیغات در شبکه‌های اجتماعی کمک کرد تا این منطقه برای مردم شناخته

شود. از همه نقاط ایران ما مسافر داشتیم. در واقع همه

این مسائل و کمک دوستان این فرصت را در اختیار ما گذاشت

تا در کنار بهبود شرایط دبستان برای دانش‌آموزان کامپیوتر هم خریداری کنیم.

هنوز هم لاک‌پشت و... وجود دارند. این روستا منطقه‌ای بکر است که نیازمند توجه است و حتی

اسفالت‌شدن جاده آن می‌تواند به جذب گردشگر کمک کند؛ چون در زمستان اتفاق می‌افتد که برای

یک ماه جاده مسدود می‌شود؛ البته در راستای حمایت از بازسازی دبستان هفت چشمه برنامه‌ای را با گروه «انسان‌های سبز» اجرایی کردیم و با دوچرخه به دماوند صعود داشتیم. سال ۹۶ بود که از هلال احمر تهران شروع به رکاب‌زدن کردیم، در میدان آزادی درختچه کاشتیم و تا آبنبار دماوند رکاب زدیم؛ البته کوهنوردی یکی از رشته‌های ورزشی است که دنبال می‌کنم و تقریبا به بیشتر کوه‌های ایران صعود کرده‌ام.

چرا لاک‌پشت؟

لاک‌پشت نماد صبر و بردباری است و ما سعی داشتیم با درست‌کردن لاک‌پشت برقی به مردم روستا بگوییم اگر چه محدودیت‌هایی دارند، اما می‌توانند با صبر و تلاش مذاوم به اهداف خواسته‌های خود دست بیابند. قصدمان این بود که به آنها بگوییم رسیدن به هدف نیاز به سرعت و امکانات ندارد و می‌توان آهسته و با صبر به اهداف دست یافت.

دانش‌آموزان‌تان یاد دیدن کارهایی از این دست چه عکس‌العملی داشتند؟

ابتدا کار برایشان عجیب بود و نگاهی ناباورانه به مسأله داشتند؛ اما به مرور زمان بچه‌ها راغب می‌شدند همکاری داشته باشند و هنوز هم دانش‌آموزان بطری آب‌معدنی جمع‌آوری می‌کنند و حواستان به مسائل محیط‌زیستی است، البته در حد درک‌وفهم کودکانی خود.

شما از صعود به بیشتر کوه‌های ایران گفتید و رکاب‌زدن تا کوه دماوند؛ ورزش دیگری را هم دنبال می‌کنید؟

ورزش یکی از علایق خانوادگی‌مان است؛ دو برادرم در کشتی و دوچرخه‌سواری فعالیت می‌کنند و حتی تا تیم ملی هم رفته‌اند. به طوری که از ۱۲ تا ۳۵ کیلویکی از برادرانم مربی کشتی‌ام بود اما بعد از فوت پدرم‌مادرم ورزش

در زندگی‌ام به حاشیه رفت تا اینکه از سال ۸۹ با پشتوانه ورزشی‌ای که داشتیم شروع به ورزش کردم. در واقع می‌توانم به‌طور خلاصه بگویم

طی ۱۴ ماه توانستم در ۱۴ حرکت ورزشی ۱۳

رکورد ثبت کنم. حرکات ورزشی هم در سه رشته

کوهنوردی، دوچرخه‌سواری، شنا و دو استقامت

بود. به عنوان مثال در ۴۴ و ۵۵ متر دو استقامت و

۱۲ کیلومتری سرعت رکوردهایی را ثبت کردم و با

مشکلات می‌یافتم؛ بنابراین به کمک بچه‌ها نخستین و بزرگترین لاک‌پشت برقی و رستوران

برقی را ساختم؛ وسطروانی نمادین که در فضای مجازی از آن صحبت کردیم و

افراد برای بازدید از آن به این روستا می‌آمدند، البته کمی را هم راه‌اندازی کردیم تا بتوانیم

از مسافران پذیرایی کنیم و امکاناتی در اختیارشان قرار

بدهیم. تبلیغات در شبکه‌های اجتماعی کمک کرد تا این

منطقه برای مردم شناخته شود. از همه نقاط ایران ما

مسافر داشتیم. در واقع همه این مسائل و کمک دوستان این

فرصت را در اختیار ما گذاشت تا در کنار بهبود شرایط دبستان

برای دانش‌آموزان کامپیوتر هم خریداری کنیم.

هنوز هم لاک‌پشت و... وجود دارند. این روستا منطقه‌ای بکر است که نیازمند توجه است و حتی

اسفالت‌شدن جاده آن می‌تواند به جذب گردشگر کمک کند؛ چون در زمستان اتفاق می‌افتد که برای

طی سال‌های خدمت در آموزش و پرورش مستندهایی در عرصه آموزش تهیه کرده‌ام؛ هم در بلوچستان هم آذربایجان؛ اگر چه طرح‌هایی هم در سطح ملی ارائه داده‌ام

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

● ● ●

از مهرماه امسال کار ساخت کتابخانه روستوران آبی-خاکی را شروع می‌کنم

شما در کنار فعالیت‌های ورزشی، تدریس و گفتن از صلح بطری‌ها راه‌یافته‌ای برای گفتن از پسماند و ضرورت توجه به آن قرار داده‌اید؛ استفاده از پسماند از کجا به فکر تان خطور کرد؟

این موضوع هم ریشه در کودکی‌ام دارد. در آن دوران از زندگی بکی از برادرانم با وسایل دورریختنی وسایلی درست می‌کرد و همیشه من به‌عنوان دستیار به او کمک می‌کردم به خوبی یاد دارم از طرف مانع ظرف‌شویی و نمکدان برای ماشین‌های درست کرده بود که همه بچه‌های محله عاشقش شده بودند. ایده استفاده از وسایل دورریختنی در واقع از همان زمان در ذهنم بود و در بزرگسالی فرصتی فراهم آمد تا آن را عملی کنم.

داستان بطری‌ها از کجا شروع شد؟

بطری‌ها، ظروف پلاستیکی و آثار مخرب آنها بر محیط‌زیست همیشه گوشه ذهنم سسوالی بود که برایش دنبال جواب بودم، البته معلم‌بودن و دغدغه فرهنگ‌سازی و طبیعت دوستی هم دست‌به‌دست دادند تا سال ۹۲ با همکاری شهرداری منطقه ۹ قم جمع‌آوری بطری‌ها را کلید بزئسم و برای آن فراخوان

بدهم. از نقاط مختلف ایران، بطری هدیه به دادند و حتی از فرانسه هم بطری دریافت کردیم. اینگونه شروع

به در دست‌کردن کلک با بطری کردیم. آلمانی‌ها هم چیز مشابه آن را قبلا ساخته بودند که ظرفیت ۸ نفره

داشت و با چسب‌چوب ساخته شده بود. اما سازه‌ها با اسکلت آهنی و بطری‌ها ساخته شد، آن هم با ظرفیت

۲۰ نفر. اگر چه دوچرخه‌هایی که محرک حرکتی آن بودند، ظرفیت ۵ نفر را داشتند. این سازه ابتدا در سد

آی دو قمشو افتتاح شد و یک هفته در آن جا مسافران را جایه‌جمی کرد اما متأسفانه استقامتی از آن نشد و در عین حال مواعیتی هم سر راهمان قرار گرفت، به همین

دلیل به کمک مهندس کارگر هزینه جایه‌جمی‌ای این سازه به پارک‌المهدی تهران انتقال یافت و یک هفته در آن جا فعالیت کرد.

در این سازه کارهای مفید دیگری انجام می‌دهم؛ برای این فراخوان

بدهم. از نقاط مختلف ایران، بطری هدیه به دادند و حتی از فرانسه هم بطری دریافت کردیم. اینگونه شروع

به در دست‌کردن کلک با بطری کردیم. آلمانی‌ها هم چیز مشابه آن را قبلا ساخته بودند که ظرفیت ۸ نفره

داشت و با چسب‌چوب ساخته شده بود. اما سازه‌ها با اسکلت آهنی و بطری‌ها ساخته شد، آن هم با ظرفیت

۲۰ نفر. اگر چه دوچرخه‌هایی که محرک حرکتی آن بودند، ظرفیت ۵ نفر را داشتند. این سازه ابتدا در سد

آی دو قمشو افتتاح شد و یک هفته در آن جا مسافران را جایه‌جمی کرد اما متأسفانه استقامتی از آن نشد و در عین حال مواعیتی هم سر راهمان قرار گرفت، به همین

دلیل به کمک مهندس کارگر هزینه جایه‌جمی‌ای این سازه به پارک‌المهدی تهران انتقال یافت و یک هفته در آن جا فعالیت کرد.

در این سازه کارهای مفید دیگری انجام می‌دهم؛ برای این فراخوان

بدهم. از نقاط مختلف ایران، بطری هدیه به دادند و حتی از فرانسه هم بطری دریافت کردیم. اینگونه شروع

به در دست‌کردن کلک با بطری کردیم. آلمانی‌ها هم چیز مشابه آن را قبلا ساخته بودند که ظرفیت ۸ نفره

داشت و با چسب‌چوب ساخته شده بود. اما سازه‌ها با اسکلت آهنی و بطری‌ها ساخته شد، آن هم با ظرفیت

۲۰ نفر. اگر چه دوچرخه‌هایی که محرک حرکتی آن بودند، ظرفیت ۵ نفر را داشتند. این سازه ابتدا در سد

آی دو قمشو افتتاح شد و یک هفته در آن جا مسافران را جایه‌جمی کرد اما متأسفانه استقامتی از آن نشد و در عین حال مواعیتی هم سر راهمان قرار گرفت، به همین

دلیل به کمک مهندس کارگر هزینه جایه‌جمی‌ای این سازه به پارک‌المهدی تهران انتقال یافت و یک هفته در آن جا فعالیت کرد.

در این سازه کارهای مفید دیگری انجام می‌دهم؛ برای این فراخوان

بدهم. از نقاط مختلف ایران، بطری هدیه به دادند و حتی از فرانسه هم بطری دریافت کردیم. اینگونه شروع

به در دست‌کردن کلک با بطری کردیم. آلمانی‌ها هم چیز مشابه آن را قبلا ساخته بودند که ظرفیت ۸ نفره

داشت و با چسب‌چوب ساخته شده بود. اما سازه‌ها با اسکلت آهنی و بطری‌ها ساخته شد، آن هم با ظرفیت

۲۰ نفر. اگر چه دوچرخه‌هایی که محرک حرکتی آن بودند، ظرفیت ۵ نفر را داشتند. این سازه ابتدا در سد

آی دو قمشو افتتاح شد و یک هفته در آن جا مسافران را جایه‌جمی کرد اما متأسفانه استقامتی از آن نشد و در عین حال مواعیتی هم سر راهمان قرار گرفت، به همین

دلیل به کمک مهندس کارگر هزینه جایه‌جمی‌ای این سازه به پارک‌المهدی تهران انتقال یافت و یک هفته در آن جا فعالیت کرد.

در این سازه کارهای مفید دیگری انجام می‌دهم؛ برای این فراخوان

بدهم. از نقاط مختلف ایران، بطری هدیه به دادند و حتی از فرانسه هم بطری دریافت کردیم. اینگونه شروع

به در دست‌کردن کلک با بطری کردیم. آلمانی‌ها هم چیز مشابه آن را قبلا ساخته بودند که ظرفیت ۸ نفره

داشت و با چسب‌چوب ساخته شده بود. اما سازه‌ها با اسکلت آهنی و بطری‌ها ساخته شد، آن هم با ظرفیت

۲۰ نفر. اگر چه دوچرخه‌هایی که محرک حرکتی آن بودند، ظرفیت ۵ نفر را داشتند. این سازه ابتدا در سد

آی دو قمشو افتتاح شد و یک هفته در آن جا مسافران را جایه‌جمی کرد اما متأسفانه استقامتی از آن نشد و در عین حال مواعیتی هم سر راهمان قرار گرفت، به همین

دلیل به کمک مهندس کارگر هزینه جایه‌جمی‌ای این سازه به پارک‌المهدی تهران انتقال یافت و یک هفته در آن جا فعالیت کرد.

در این سازه کارهای مفید دیگری انجام می‌دهم؛ برای این فراخوان

بدهم. از نقاط مختلف ایران، بطری هدیه به دادند و حتی از فرانسه هم بطری دریافت کردیم. اینگونه شروع

به در دست‌کردن کلک با بطری کردیم. آلمانی‌ها هم چیز مشابه آن را قبلا ساخته بودند که ظرفیت ۸ نفره

داشت و با چسب‌چوب ساخته شده بود. اما سازه‌ها با اسکلت آهنی و بطری‌ها ساخته شد، آن هم با ظرفیت

۲۰ نفر. اگر چه دوچرخه‌هایی که محرک حرکتی آن بودند، ظرفیت ۵ نفر را داشتند. این سازه ابتدا در سد

آی دو قمشو افتتاح شد و یک هفته در آن جا مسافران را جایه‌جمی کرد اما متأسفانه استقامتی از آن نشد و در عین حال مواعیتی هم سر راهمان قرار گرفت، به همین

دلیل به کمک مهندس کارگر هزینه جایه‌جمی‌ای این سازه به پارک‌المهدی تهران انتقال یافت و یک هفته در آن جا فعالیت کرد.

در این سازه کارهای مفید دیگری انجام می‌دهم؛ برای این فراخوان

بدهم. از نقاط مختلف ایران، بطری هدیه به دادند و حتی از فرانسه هم بطری دریافت کردیم. اینگونه شروع

به در دست‌کردن کلک با بطری کردیم. آلمانی‌ها هم چیز مشابه آن را قبلا ساخته بودند که ظرفیت ۸ نفره

داشت و با چسب‌چوب ساخته شده بود. اما سازه‌ها با اسکلت آهنی و بطری‌ها ساخته شد، آن هم با ظرفیت

۲۰ نفر. اگر چه دوچرخه‌هایی که محرک حرکتی آن بودند، ظرفیت ۵ نفر را داشتند. این سازه ابتدا در سد

آی دو قمشو افتتاح شد و یک هفته در آن جا مسافران را جایه‌جمی کرد اما متأسفانه استقامتی از آن نشد و در عین حال مواعیتی هم سر راهمان قرار گرفت، به همین

دلیل به کمک مهندس کارگر هزینه جایه‌جمی‌ای این سازه به پارک‌المهدی تهران انتقال یافت و یک هفته در آن جا فعالیت کرد.

در این سازه کارهای مفید دیگری انجام می‌دهم؛ برای این فراخوان

بدهم. از نقاط مختلف ایران، بطری هدیه به دادند و حتی از فرانسه هم بطری دریافت کردیم. اینگونه شروع

به در دست‌کردن کلک با بطری کردیم. آلمانی‌ها هم چیز مشابه آن را قبلا ساخته بودند که ظرفیت ۸ نفره

داشت و با چسب‌چوب ساخته شده بود. اما سازه‌ها با اسکلت آهنی و بطری‌ها ساخته شد، آن هم با ظرفیت

۲۰ نفر. اگر چه دوچرخه‌هایی که محرک حرکتی آن بودند، ظرفیت ۵ نفر را داشتند. این سازه ابتدا در سد

آی دو قمشو افتتاح شد و یک هفته در آن جا مسافران را جایه‌جمی کرد اما متأسفانه استقامتی از آن نشد و در عین حال مواعیتی هم سر راهمان قرار گرفت، به همین

دلیل به کمک مهندس کارگر هزینه جایه‌جمی‌ای این سازه به پارک‌المهدی تهران انتقال یافت و یک هفته در آن جا فعالیت کرد.

در این سازه کارهای مفید دیگری انجام می‌دهم؛ برای این فراخوان

بدهم. از نقاط مختلف ایران، بطری هدیه به دادند و حتی از فرانسه هم بطری دریافت کردیم. اینگونه شروع